

پیشگفتار

مقدمه

-نماز

-عملی انسانی، خاص انسانها:

-برنامه ای الهام بخش برای توجه به خود، توجه به آغاز و انجام، و بالاخره توجه به زندگی و هدف اساسی از آن.

-تواضعی آگاهانه، در برابر بی نیاز مطلق و برآورنده همه نیازها از همه نیازمندان.

-برنامه ((آزاده سازی))، آزادی از تمام انواع بندگیها و پرستشها: از خودپرستی و غیرپرستی، جاه پرستی، مال پرستی.

-وسیله ای برانگیزنده و بازدارنده، برانگیزنده بسوی خیرات و بازدارنده از کژی ها و ناراستی ها.

-کششی بسوی نعمت بخش بی منت، انس یابی و الفت و سپاس نسبت به دارنده و بخشاینده همه نعمتهای همه جانبه ای که، ما و همه موجودات را احاطه کرده است.

- وسیله ای برای بیشتر مانوس شدن با سرچشمه حیات و نیرو گرفتن برای حرکت آفرینی و صفاجوئی و سلم طلبی و تجدید عهدی با ((عباد الله الصالحین)).

- بازیابی راه ((صلاح)) خود و جامعه، که هر روز بلکه در هر قسمتی از هر روز ممکن است شکل و مصداقی تازه پیدا کند.

- اینک این ما و این نعمت بزرگ الهی و انسانی که توسط پیامبر بزرگوار اسلام برای انسانها بیان شده است که در هر جمله و حرکتی از آن، نکته ای انسانی

گنجانده شده است و با بهره گیری از آنها است که عنوان ((خیرالعمل)) را پیدا می کند. زیرا نیرو دهنده برای اصلاح تمام روابط انسانی است، رابطه ای به

خود و رابطه ای با دیگران (دیدنی که از طبیعت و رفتاری که با انسانهای دیگر خواهد داشت) و رابطه ای با مبداء.

- و همین است سرّ اینکه ستون دین (الصلاه عمود دینکم) به حساب آمده و بازدارنده از همه بدیهای درونی و برونی (تنهی عن الفحشاء و المنکر) شمرده

شده است. مفاهیمی که در طی عبارات و جملات گفته میشود و حرکاتی که در ضمن نماز

انجام میگردد. همه، عوامل ایجاد کیفیتی روحی برای نمازگزار واقعی است. وقتی که به معنای عباراتی که می گوئیم توجه کنیم و به مراحل که در حال نماز به

صورت رکوع و سجود و قیام و قعود، یکی بعد از دیگری انجام میدهیم، دقت کنیم، حقیقت این گفتار را در می یابیم که:

- الصلوه قربان کل تقی (نماز وسیله نزدیکی پرهیزگاران بخداست).
- الصلاه میزان (نماز وسیله سنجش ایمان و درجه ایمانداری اشخاص است).

و با شناخت نماز است که واقف می شویم که چگونه نمازی را گزارنده باشیم که ((عمود دین)) و ((قوام اسلام)) و بازدارنده از ((فحشاء و منکر)) باشد.

درباره نماز که برنامه ای دائمی برای هر یک از افراد مسلمان است به صورتهای مختلف مطالبی گفته و نوشته شده است و هر فرد یا گروهی به تناسب شعور دینی خود را از آن بنوعی گرفته و می گیرد.

در این نوشته سعی شده است چهره ای از متن نماز ترسیم شود، تا نمازگزار با

آگاهی به مفاهیم کلمات و حرکات، متوجه گفته ها و کرده های خود در نماز باشد و آنها را با توجه شایسته ادا کند. زیرا نماز کسی ((نماز)) است که بداند

چه می گوید. - همانطور که در قرآن به این مطلب اشاره شده ... حتی تعلموا ما

تقولون، تا نماز برای او سازنده باشد و فزاینده، نه فرساینده و خسته کننده.

- آرزومند بهره برداری های انسانی بیشتری از این نعمت بزرگ اسلامی هستیم.

هر فردی مکلف است شبانه روز چندین مرتبه رو به خدا آورد. یعنی دلش را از غیر حق خالی کرده، به مبداء خود متوجه گردد و برای یاد خدا نماز را برپا دارد ((اقم الصلوه لذكری)) در نتیجه تزکیه نسبی برایش حاصل می شود و ((ان الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر)) به درستی که نماز از زشتی ها و ناپسندها باز می دارد. و خلاصه با برپا داشتن نماز مصلحت ها و فایده های شخصی و معنوی فراوانی را در می یابد. و دستور اکید شده است که نماز واجب را با جماعت بخوانید تا دلها با هم یکی شود و برکات معنوی بیشتری و بهتر نازل گردد.

تاریخچه نماز

الف- تاریخچه نماز

تاریخ نماز و پرستش به قدمت تاریخ ادیان، و سابقه ادیان به موازات پیشینه پیدایش حیات انسان است و اینک بررسی پیشینه تاریخی نماز، با توجه به آیات قرآنی. نماز، نخستین عبادتی که بر بندگان واجب شد. خدای، تعالی، در آغاز سوره بقره در توصیف اهل تقوی فرمود:

الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوه و...

همانان که به غیب؛ یعنی به وجود خدا، معاد و فرشتگان، ایمان دارند و نماز را

به پا می دارند و ...

و این می رساند که پس از وجوب اعتقاد به مبدأ و معاد و وحی و نبوت،

نخستین چیزی که مطرح است و مهم است، نماز است و بنابراین هیچ عبادتی را

پیش از آن واجب نکرده اند زیرا اگر عبادتی قبل از حکم نماز مقرر می شد

مطمئناً آن را در کریمه مذکور، مقدم بر نماز ذکر می فرمود. افزون بر این از

رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده است که فرمودند:

اول ما فرض علی العباد الصلوه و اخر ما یبق عند الموت الصلوه و اول ما

یحاسب به العبد یوم القیامه الصلوه فمن اجاب فقد سهل ما بعده و من لم یجب

فقد اشد ما بعده.

نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد نماز است آخرین عملی که به هنگام

مردم بماند نماز است و اولین چیزی که روز قیامت از آن بپرسند نماز است.

پس هر کس بخوبی جواب گوید و پاسخش را بپذیرند، در حسابرس های پس از

نمایش آسان گیرند و آن که پاسخ نیکو ندهد، در اعمال دیگرش به سختی

حساب کشند.

و فرمودند:

اول ما افترض الله على امتي الصلوات الخمس و اول ما يرفع من اعمالهم الصلوات الخمس و اول ما يسالون عنه الصلوات الخمس.

نخستین چیزی که خدا بر امتم واجب کرد پنج نماز است و نخستین چیزی که از اعمالشان بالا برده شود، پنج نماز است و نخستین چیزی که از آن سوال شوند پنج نماز است.

جمله های «اول ما فرض على العباد الصلوه» و «اول ما افترض الله...» حاکی از آن است که پیش از نماز، هیچ عملی پا به عصه تشیع و وجوب ننهاده است.

نماز در ادیان پیش از اسلام

۱- در سوره ابراهیم، آیه چهلم، حضرت ابراهیم برای خود و ذریه اش از خدا توفیق اقامه نماز می خواهد می گوید: رب اجعلنی مقيم الصلوه و من ذریتی.

ای پروردگار من، من و فرزندانم را اقامه کننده نماز قرار ده.

۲- در سوره مریم، آیه های پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم، قرآن، ضمن ستایش از اسماعیل می گوید: و كان يامر اهلہ بالصلوه و كان عند ربه مرضيا.

افراد خانواده اش را به نماز فرمان می داد و نزد پروردگار خود مورد خشنودی بود.

۳- در سوره هود، آیه هشتاد و هفتم، خداوند خطاب به شعیب، پدر زن حضرت

موسی، می فرماید: قالوا یا شعیب اصلوتک تامرک ان نترک ما یعبد اباونا.

گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که آنچه را پدران ما می

پرستیدند، رها سازیم...؟

۴- در سوره طه، آیه بیست و چهارم، خداوند خطاب به حضرت موسی می

فرماید: اقم الصلوه لذکری.

نماز را برای یاد من برپا دار

۵- در سوره لقمان، آیه هفدهم به فرزندش می گوید:

یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر.

پسرم نماز را برپا دار و امر به معروف و نه از منکر کن.

۶- در سوره آل عمران هنگامی که از زکریا سخن به میان می آید و بیان می

شود که چگونه زکریا از خداوند، درخواست ذریه طیبه کرد، بشارت تولد یحییة

در حالی که از جانب فرشتگان به زکریا داده می شود که او ایستاده در محراب،

به گذاردن نماز، مشغول است:

کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا، قالت هو

من عندالله ان الله یرزق من یشاء بغير حساب. هنالک دعا زکریا، قال رب هب لی

من لدنك ذريه طيبه انك سميع الدعاء. فنادته الملائكه و هو قائم يصلى فى المحراب. ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمه من الله و سيدا و حصورا و نبيا من الصالحين.

هر زمان که زکریا، در محراب عبادت بر مریم وارد شد، نزد او روزی را یافت. گفت: ای مریم این روزی از کجا برایت رسیده است پاسخ داد که آن از نزد خداست. همانا خدا به هر که خواهد از جایی که حسابش را نمی کند روزی می رساند؟ در آنجا زکریا پروردگارش را خواند گفت: ای پروردگار من از نزد خدای فرزندی پاکیزه به من عطا فرما، برآستی که تو شنوای دعاهایی. پس در حالی که ایستاده بود و در محراب، نماز نیایش می کرد، فرشتگان او را ندا می دادند که خدا تو را به یحیی مژده می دهد، فرزندی که فیض خدا (عیسی) را باور دارد و مهتر و خویشنداری بی رغبت به زنان و پیامبری از شایسته کاران است.

۷- در سوره مریم، آیه سی و یکم، از قول مسیح(ع) می خوانیم:

و اوصانى بالصلوة والزكوة مادمت حيا.

و خدا تا زمانی که زنده باشم مرا به نماز و زکات فرمان داده است.

نماز یهودیان و مسیحیان به دعا نزدیکتر است. یهود در ساعات سوم و ششم و نهم روز و در ساعات اولیه شب و آخر شب و هنگام تناول غذا، دعاهایی دارند.

رکوع در نماز کمتر اقوام وجود داشته است. نماز یهود، از رکوع خالی است اما در مسیحیت، در قرآن مجید آیه چهل و سوم از سوره آل عمران به مریم (ع) خطاب شده است:

یا مریم اقمی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراقعین.

ای مریم! برای پروردگارت قنوت بخوان و سجده کن و با رکوع کنندگان، رکوع بجای آور.

مسیحیان، در روز یکشنبه، در کلیسا، جلسات دعای دسته جمعی تشکیل می دهند. بعلاوه، روحانیون و وابستگان آنان دعاهایی دارند و معتقدند که باید دعا کنند و با دلی پاک، حاجات خود را از خدا بخواهند. با وجود این، آخرین نمازی را که مسیح با حوارین به جای آورد. بهترین صورت دعا می دانند و این دعا یا نماز، مشتمل بر تمجید خداست و آنگاه شش فقره آن به بیان حاجات که طلب نان روزانه، یکی از آنهاست، اختصاص دارد و پس از اظهار حوائج، باز به تسبیح مقام ربوبیت می پردازند.

مسیحیان، در دعاهای خود، علاوه بر پدر آسمانی، به روح القدس و ابن همه توجه دارند. علاوه بر تشیع نماز در ادیان حقه، در ادیان دیگر نیز، ناز و نیایش وجود دارد؛ حتی بت پرستان هم در برابر بتها، اورادی می خوانند و کارهایی

بعنوان عبادت، اجرا می کنندک در بیشتر آن کیشها، سجده، جزئی از این عبادتهاست.

۸- زرتشتیان را پنج نماز است، که هنگام طلوع آفتاب و ظهر و عصر و اول شب و زمان خفتن، اجرا می کنند. بعلاوه برای هر یک از شبها و روزهای ماه، سرودهای ویژه ای دارند که مجموع آنها را در خرده اوستا ویسنا می توان یافت.

۹- «صابیان» که بقایای آنان در خوزستان وجود دارند، نمازهای پنجگانه را بجای می آوردند و هر سال، سی روز روزه می گرفتند.

۱۰- اعراب جاهلیت، در مقابل خانه کعبه، برهنه، حاضر می شدند و با صغیر و کف زدن، اظهار عبادت می کردند. احتمالاً نماز و نیایشی که در زمان حضرت ابراهیم (ع) معمول بوده است، در طول قرون و اعصار، به تدریج به کلی تحریف گشته و به چنین صورتی در آمده بود و شاید به خاطر همین تحریف است که در آیه سی و پنجم سوره انفال، کیفیت نماز اعراب جاهلیت، مورد سرزنش قرار گرفته است:

و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه.

نمازی که اعراب پیش از اسلام، جلو خانه خدا به جای می آوردند، چیزی جز صفیر برآوردن و کف زدن نبود.

برخی از قبایل، عبادت را در مقابل بتان، به وسیله رقص و حرکات منظم و هماهنگ، ادا می کرده اند. بی گمان، این گونه حرکات را نوعی تعظیم می شناختند به نحوی آن را با عبادت که موجب تقرب به خدا یا بتها، تصور می کردند، ربط می دادند؛ چنانکه شاید، عریان بودن اعراب جاهلیت، به هنگام طواف، از آن جهت بوده است که در لباس ناپاک یا در جامه یی که به هر حال از جمله امتعه دنیوی بوده است، برای عبادت، حاضر نشوند.

از موارد فوق بر می آید که نماز در اعماق تاریخ انسان ریشه دارد و در تمامی دوره ها و جامعه های بشری و به موازات خداشناسی او امری فیری است، وجود داشته است و همانند آن تجلیات گوناگون به خود گرفته است و به صورتهای مختلف اجرا شده است.

نماز در اسلام

برحسب بعضی از روایات، سه سال پیش از بعثت، جبرئیل (ع)، وضو و نماز را به پیامبر اکرم (ص) آموخته است. ولی آنچه مسلم است از آغاز بعثت، خدیجه (ع)

و علی بن ابیطالب(ع) با پیغمبر اکرم(ص) نماز می خواندند و در نماز ایشان، عمل رکوع و سجود، انجام می شده است. بتدریج بر مسلمانان نمازگزار، افزوده شد و ((جعفر و زید و ابوبکر)) و دیگران به این جماعت می پیوستند اما پیغمبر (ص) و یاران، نماز خود را در کوهستانها ادا می کردند و چون دین حنیف، قوت گرفت، با درخواست عمر، مسلمانان آشکارا به مقابل کعبه آمدند و به نماز و طواف پرداختند.

آنان که به دو بار نازل شدن سوره فاتحه، قائل شده اند، می گویند: سوره فاتحه، بار اول در سال اول بعثت، نازل شده و پیغمبر اکرم (ص)، آن را در نماز، قرائت می کرده اند و بار دوم در مدینه، نازل شده است.

تشریح پنج نماز

گفته اند: پیش از وجوب پنج نماز، مسلمانان فقط در بامداد و عصر، هر بار، دو رکعت نماز می خواندند تا آنکه در شب معراج، نمازهای پنجگانه مقرر گردید. برخی تاریخ تشریح نمازهای پنجگانه را یک سال قبل از هجرت، پنداشته اند و می گویند: نخستین از نمازهای پنجگانه نماز ظهر بوده است. عده کمی هم تشیع نمازهای پنجگانه را در سال اول هجرت دانسته اند و گفته اند: در سوره روم که مکی است، آیه های شانزدهم و هفدهم که اوقات نمازهای پنجگانه از آنها استفاده

می شود، مدنی است. این نظر درست نمی نماید زیرا در سوره های کوثر و ماعون که هر دو مسلماً مکی است، لفظ صلوه به معنی نماز بوده است و اگر در آیه مندرج در سوره کوثر، امر به صلوه متوجه شخص پیامبر باشد آیه مذکور در سوره ماعون عام است و در مقام سرزنش نمازگزارانی است که از نماز خود غفلت دارند.

بعضی بر مبنای آیه هفتاد و هشتم از سوره اسراء که سوره ای مکی است و اوقات نماز گزاردن در آن معین شده است، گفته اند: تشریح نماز در شب معراج بوده است و گفته اند تا سال اول هجرت، نماز مغرب، سه رکعت و باقی نمازها دو رکعت گذارده می شد و از سال اول هجرت، نماز سفر، به حال خود باقی ماند و مقرر شد که در حضر، نمازها ظهر و عصر و عشا چهار رکعت باشد. با این همه، نمی توان تاریخ تشریح نمازهای پنجگانه را به نحو قاطع تعیین کرد.

تشریح نماز قصر

همه نمازها پیش از هجرت برای حاضر و مسافر دو رکعت بوده است لیکن پس از هجرت، نمازهای ظهر، عصر و عشا برای حاضر به چهار رکعت افزایش یافت و مقرر شد که برای مسافران همان دو رکعت باشد. همچنین مقرر شد که برای هر دو گروه، نماز صبح، دو رکعت و نماز مغرب، سه رکعت باشد.

تشریح نماز خوف

تشریح نماز خوف، پس از هجرت و در غزوه ((ذات الرقاع)) بوده است. گفته اند

که در ((ذات الرقاع)) دشمنان می خواستند به هنگام نماز به لشکر اسلام حمله

کنند و چون نتوانستند برای اجرای حمله آماده شوند، بر وقت از دست رفته

افسوس می خوردند.

یکی از سران سپاه کفر گفت: جای افسوس نیست. مسلمانان نماز دیگری دارند

به نام عصر که آن را بزرگتر می شمرند. به هنگام آن بر آنان حمله می بریم.

پیغمبر اکرم (ص) به الهام غیبی از نقشه آنان باخبر شدند و نماز عصر را به

صورت ((نماز خوف)) بجای آوردند.

به این ترتیب که در طول نماز با تعویض نوبت، عده ای به عبادت اشتغال داشتند

و گروهی دیگر به حراست و دشمن نتوانست از اصل غافلگیری استفاده کند.

گویند: خالد بن ولید، به خاطر همین پیش بینی و پیش آگاهی اعجاز آمیز پیغمبر

اکرم (ص) از قصد حمله آنان، مسلمانان شد.

تشریح نمازهای جمعه و عیدین

برحسب بعضی از مدارک، نماز جمعه، پیش از هجرت، تشریح شده است و اهل

مدینه، قبل از هجرت، نماز جمعه گزارده اند، لیکن بیشتر مورخان و نویسندگان

سیره نبوی، تاریخ جمعه را سال اول هجرت دانسته اند بویژه آنکه سوره جمعه که آیات نهم تا یازدهم آن مستند تشریح نماز جمعه است، سوره ای مدنی است، و تشریح نمازهای عیدین گویا، در سال دوم هجرت بوده است.

تشریح نماز آیات

تشریح نمازهای آیات (خسوف، کسوف، زلزله و...) پس از هجرت بوده است، چنان که گفته اند:

ماه در سال پنجم هجرت، در مدینه منوره، منخسف شد. یهودیان مدینه، بر مس می کوفتند و تصوّر می کردند که ماه، این صدا را می شنود و از ترس آشکار می شود.

پیغمبر اکرم (ص)، اعتقاد آنان را خرافه دانستند و به یاران خود دستور نماز خسوف دادند و نماز آیات را با آنان به جماعت خواندند.

پیغمبر اکرم (ص)، از ماریه قبطیه، فرزندی داشتند به نام ابراهیم که مورد علاقه شدید آن حضرت بود و از دنیا رفت.

خورشید در روز وفات او گرفت. مردم پنداشتند که آفتاب به سبب وفات ابراهیم گرفته است.

رسول خدا (ص) که با هرگونه خرافه ای مبارزه می کردند، مردم را مخاطب قرار دادند و فرمودند:

خورشید و ماه، دو آیه از آیه های خدا هستند و برای ولادت و مرگ کسی نمی گیرند. هنگامی که خسوف و کسوف و نمازی که هنگام حدوث آثار طبیعی ترس آور خوانده می شود، به موجب سنت قولی و فعلی پیغمبر اکرم (ص) در سالهای پس از هجرت، مقرر شده است.

تشریح نماز استسقا (درخواست باران)

درباره مشروعیت نماز استسقا به دو آیه از قرآن مجید استناد کرده اند که یکی مدنی و دیگری مکی است اما تاییدی که از سنت برای آن وجود دارد، در مدینه واقع شده است:

در یکی از سالهای پس از هجرت، مردم مدینه، گرفتار خشکسالی و قحطی شدند و از پیغمبر اکرم (ص) تقاضای دعای باران کردند.

فرستاده خدا، فرمودند که مردان، زنان و کودکان، به مصلی بروند و جانوارن اهلی را هم به همراه خود ببرند. آنگاه نماز استسقا را با آنان به جماعت خواندند و از خدا درخواست نزول رحمت کردند.

دیری نگذشت که ابرها به هم پیوستند و فرو باریدند و بارش، یک هفته ادامه یافت تا آنجا که بیم ویرانی رفت و مردم از آن حضرت درخواست دعا برای

قطع باران کردند و دعای دوم رسول خدا(ص) هم به اجابت پیوست

چند نمونه از آیات قرآن و معصومین درباره نماز:

یا ایها الذین امنوا انکرو الله ذکر کثیرا و سبجوه بکره و اصیلا

ای ایمان آورده ها خا رابسیار یاد کنید (همیشه به یاد او و نعمت های او

باشید.) و او را هر صبح و شام به پاکی بسائید.

و به کار برید صحیح داده های او توجه نمایید.

یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و اصلوه ان الله مع الصابرين

ای ایمان دارها :

در راه خود سازی خویش از دو چیز کمک بگیرد: صبر و تحمل در برابر

سختی ها و از جا در نرفتن که بسیاری از شکست در نتیجه نداشتن استقامت

می باشد.

نماز و توجه بخدای یگانه که با او ایمان دارید. و محققا خدا با کسانی ایت که در

راه حق استقامت دارند و سختی ها را تحمل می کنند.

و اقم الصلوه لذكرى : نماز را برای یاد من برپادار با مسلمان بودن سازگار نیست لیس منی من استخف بصلاته از من نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. نماز ستو و برپادارنده دین است الله الله فی اصلاح فانها عمود دینکم خدا را در نظر بگیرد مورد نماز که ستون نگهدارنده دین شماست . محبوبترین کارها در نزد خدا: احب الاعمال الی الله عزوجل الصلوه والبر والجهاد پسندیده ترین کارها نزد خدای بزرگ سه چیز است نماز نیکی کردن و جهاد نماز موجب برپایی اسلام اوصیکم بالصلوه التی هی عمود الدین وقوام الاسلام فلا تغلوا عنها شما را به نماز توصیه می کنم که ستون دینتان و موجب برپایی اسلام است. بنابراین از آن غافل نمانید خود را از آن بی نصیب نسازید. عله الصلاه، اقرار بالربوبیه ، خلع الانداد ، لئلا ینسی العبد سیده و مدبره و خالقه فیبطره و زاجر له عن المعاصی ، مانعا من انواع الفساد ،

علت و حکمت نماز

اقرار به ربوبیت پرورگار ، کنار گذاشتن شرکت واموری که نوع مردم ، آنها را در امور موثر می بینند، برای اینکه آدمی صاحب نعمت اصلی مدبر و خالق خود را فراموش نکنند ، تا سرگرم بزندگی جاری می شود، نماز، انسان را از گناهان دور و پاک نگاه می دارد و از انواع فساد و تباهی ها جلوگیری می کنند.

اذان یعنی اعلام کردن و آن چند جمله مقطع و کوتاه است که شامل شعارهای اساسی اسلام و مطالبی راجع به اهمیت نماز است که بوسیله آن رسیدن اول وقت نماز اعلام می شود. و همچنین قبل از شروع بنماز اگر چه در اول وقت نباشد آن چند جمله شعاری را تکرار می کنند.

در آن جمله های مقطع بزرگی مبدا آفرینش، شهادت به یگانگی او، شهادت بررسالت پیغمبر اسلام، و نماز موجب رستگاری دانستن و تشویق بدان مطرح است که در ضمن ۱۸ جمله ادا می شود بدین ترتیب :

الله اکبر: خدا را بزرگتر از آن که بتوان وصف کرد و بالاتر از آنچه درک کرده ایم دانستن اشهد ان لا اله الا الله: شهادت به یگانگی خدا که محبوب و معبود واقعی هر کس است.

اشهد ان محمدا رسول الله: که گواهی بررسالت و حقانیت حضرت محمد(ص) در رسالت است

اشهد ان علیا ولی الله: که شهادت به ولایت وصایت علی (ع) است

حی علی اصلاه: بشتابید برای نماز

حی علی الفلاح: بشتابید برای آنچه موجب رستگاری (بلکه خود آن) است.

حی علی خیر العمل : بشتابید برای عمل بهتریت که (جهت بخش سایر کارها نیز هست)

الله اکبر لا اله الا الله

که در آخرین جمله ، توحید کامل و اینکه معبود شایسته پرستش و دوستی ، جز خدائی که از هر جهت کامل و بی نیاز است وجود ندارد ، اعلام می گردد.

اقامه

آمادگی برای نماز با حضور قلب

علاوه بر اذان، برای اینکه توجه بیشتری برای نمازگزان پیدا شود، بعضی از همان جمله ها اندکی قبل از شروع نماز (با مختصر تفاوتی) تکرار میشود که آن را اقامه می گویند. که حتی المقدور نباید آنرا ترک کرد و مجموع جملات آن ۱۷ و تفاوت آن با اذان این است که ابتدا بجای ۴ مرتبه ((الله اکبر)) ۲ مرتبه گفته می شود. و بعد از ((حی علی خیر العمل))، ۲ مرتبه جمله ((قد قامت الصلاه)) (محققاً نماز برپا شد) را اضافه میکنند. و در آخر، فقط یکبار ((لا اله الا الله)) میگویند. کسیکه عجله دارد میتواند هر جمله از اقامه را یکبار بگوید و نگفتن آن نیز به صحت نماز ضرری نمی رساند.

زنان بچه دار و خانه دار اگر فرصت کمتری دارند، میتوانند بجای جملات اقامه، فقط تکبیر (یعنی الله اکبر و شهادتین یعنی به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر (ص)) را بگویند. ولی خوبست در صورتیکه فرصت کافی دارند، تمام آنرا با توجه کامل انجام دهند.

مفاهیم و حرکات نماز:

حمد

سوره ((حمد)) یا فاتحه الکتاب موقعیت خاصی در اسلام و میان مسلمین دارد. کتاب دینی مسلمانان که قرآن است با این سوره آغاز میشود و بهمین مناسبت که آنرا فاتحه الکتاب (یعنی بازکننده و گشاینده کتاب) گفته اند. هر مسلمان نمازگزار آنرا حداقل در شبانه روز ۱۰ بار در ضمن ۵ نماز شبانه روزی (در هر نماز ۲ بار)، بر زبان می آورد و اگر نمازها به جماعت خوانده شود، در مساجد و معابد مختلف، توسط امام جماعتها، به نیابت از طرف اقتداکنندگان قرائت میشود و همه به آن گوش فرا می دهند و ساکت می مانند.

و نیز به مناسبتهای مختلف توسط مسلمین خوانده و تکرار می شود. چنانکه معمول شده به یاد بود کسانی که از دنیا رفته اند، هر روز و هر شب صدها و هزارها بار خوانده میشود. و نیز بقصد شفای بیماران و برای هر خیر و برکتی،

معمول شده است که آنرا می خوانند. معروف است که این سوره فهرست و حاوی مجموعه مطالبی است که به تفصیل در ضمن ۶ هزار و چند صد آیه قرآن، بازگو شده است. اینک باید دید معنای این سوره و جمله ها و کلماتی که در آن بکار رفته اند چیست؟ سوره ای که می توان آنرا زبان بین المللی عملی تمام مسلمانان جهان دانست. زیرا اصل نماز بایستی بهمان لغات و کلمات اصلی خود یعنی در قالب کلمات عربی خوانده شود. (و در واقع تمام امت اسلامی از هر منطقه و نژادی که هستند و با هر زبان مادری که تکلم می کنند، با اتحاد در طرز ادای این مفاهیم، به طور موثر و عجیبی، آشنائی فکری پیدا می کنند و در حقیقت زبان دوم تمامی نمازگزاران است.)

اینک ترجمه ای، همراه با توضیح از آنچه که در نماز می گوئیم:

الحمد لله رب العالمین

حمد

سپاس و ستایش نسبت به کسی که ۴ خصوصیت را داشته باشد، عنوان ((حمد)) را دارد:

چهار خصوصیت کسی که شایسته حمد است:

۱- هر کس هر چه نعمت و خوبی دارد، از ناحیه او است ولی خود او بهیچ وجه نیازی ندارد و مستقلاً منشاء و مبداء فیض رسانی است.

۲- در اعطاء آن نعمتها به دیگران، منتی و توقعی ندارد و اگر خواست هائی هم دارد، بر اساس ((کمال رسانی)) است و نه کمال یابی و توقع و انتظار شخصی.

۳- در عطای خود هیچ نوع ((الزام و اجباری)) نداشته و ندارد و فیض بخشی او با اختیار مطلق و کاملاً بودن قید و شرط است.

۴- ((اراده او در هر حال، نافذ و در کار است و چنان نیست که اختیار کار از دست او خارج شده باشد.

سوره ((توحید))

اینکه ملاحظه می کنیم بطور معمول. مسلمین و بخصوص شیعیان بعد از سوره ((حمد)) سوره ((قل هو الله احد)) را می خوانند، شاید علاوه بر کوتاهی جمله ها و

آسانی تلفظ و در عین حال افق بلند معانی، سر دیگری هم داشته باشد. و آن

تکمیل حالت روحانی و سیر معنوی بعد از خواندن حمد، با ریشه و اساس

دعوت انبیاء بخصوص آنچه اسلام روی آن سخت تکیه دارد، یعنی ایجاد روح

توحید و اخلاص، میباشد. و میدانیم که این هر دو نام همین سوره اند: توحید،

اخلاص.

توحید، نه فشار آوردن بر مغز که ادله ای را که برای یگانگی مبداء گفته شده است، به ذهن بیاوریم،

بلکه جهانی را با همه عظمت، یکپارچه دانستن

و یگانگی را در تمام جلوه های زندگی تحقق بخشیدن

در بیان تفصیلی ((ایاک نعبد و ایاک نستعین))

و برای خلوص معنا از ساخته های ذهنی یک انسان بازگو میشود.

که ((قل)) بگو، تا نگویند از خودش می گوید، ((هو الله))، اوست اله ((احد)) یگانه و

فرداست. ((الله الصمد))، خدا که از هر جهت بی نیاز است، خلا ندارد نیاز ندارد،

مانند ماده قابلیت تراکم و انبساط ندارد، خلق و ایجاد، به معنای جدا شدن چیزی

از او نیست، که مستلزم کم شدن او باشد، این کلمه در قرآن فقط یکبار و در

همین جا بکار رفته است و همه خصوصیات، این سوره که سوره ((توحید)) و

سوره ((اخلاص)) نام گرفته است، به جهت عمق معنای همین کلمه است.

((الصمد)) بی نیاز برآورنده نیازها از همه نیازمندا که تمامی آفریده هستند.

زیرا هر موجودی نیازمند آن است که در شرایط خاصی خصوصیات و حدود

خود را حفظ کند، در حرکت باشد، جهت حرکتی او مشخص باشد، تحت جاذبه

باشد، دافعه داشته باشد، و همه اینها نیاز به محرک اصلی دارند، این محرک

اصلی نه از چنین موجودی جدا است و نه همانند ذرات ترکیبی آنها، با آنهاست از چنین موجودی که ((غنی مطلق)) است و تنها با مقایسه فقر قابل تصور است، قرآن به کلمه ((صمد)) تعبیر شده است. از امام پنجم نقل شده که فرمودند: ((مردمی در قرون و اعصار آینده خواهند آمد و متوجه دقایق معنای ((صمد)) خواهند شد، آری مردمی که در ساختمان ذرات ماده و تشکیلات درونی آن و تبدیل ماده به انرژی و فواصل عمیق بین هسته اتم و پروتون ها و نظائر آن، خاطراتی و تحقیقاتی دارند.

بعد از خواندن یک سوره از قرآن به انتخاب خود نمازگزار که گویای وضع روحی و ادراکات، دینی او خواهد بود.

((الله اکبر)) گفته می شود و بار دیگر با خود بازگو می کند که هر چه از خدا در تصورداری باید با افق بالاتری بیندیشی و خدا را از آن پاکتر بدانی و سعی کنی عروج و صعود معنوی بیشتری پیدا کنی، آری اثر خواندن حمد و یک سوره ایجاد حالت خضوع و خود را مواجه دیدن با عظمتی فوق العاده که به صورت ((رکوع)) متظاهر میشود تا مقداری که کف دستها، را بتوان محاذی زانوهای پا رساند، کمر را خم می کنیم و تنها و تنها این حالت را در برابر خدا خواهیم داشت و دیگر در هیچ مورد. زیرا نه هیچ چیز و نه هیچ کس وجود دارد که

ارزش خم شدن در برابرش برای یک انسان وجود داشته باشد. نه ابداً، این چنین کسی تنها خداست و بس.

سبحان ربی العظیم و بحمدہ (پاک و منزہ است پروردگار من، پروردگاری کہ سراسر عظمت است و من نمازگزار بہ حمد او مشغولم).

اگر خواستیم آنقدر تکرار می کنیم کہ حالت توجہ بہ عظمت، درک عظمت، مفهوم عظیم در ما بطور برجستہ پیدا شود و آن وقت است کہ برآستی ((رکوع)) کردہ ایم. و خدا را منزہ دانستہ و بحمد او پرداختہ ایم ((رب عظیم)) مالک مدبر بس بزرگ، و نیز سه بار می گوئیم ((سبحان الله)) کہ پاک شماری خدا از ہمہ تصورات و اندیشہ ہاست، توشہ ای از این حالت برمی گیریم، نیرو می یابیم، تصمیم قاطع یافتہ ایم کہ در برابر عظمت او و تنها در برابر او انسان می تواند تعظیم کند و گرنہ انسانیت خود را بی ارزش نمودہ است.

کمر را راست می کنیم، بازاندیشی می کنیم بہ یاد می آوریم کہ حالت حمد.

از عظمت، عظمت آفرین است کہ می تواند بما عظمت ببخشد و باید از عظمت بهره مند شویم تا سبحان ربی العظیم بہدفع رسیدہ باشد وگرنہ چہ نصیبی از

رب بردہ ایم؟

اساساً عظمت چیست؟ و آنرا چه میدانیم؟ عظمت مقداری کمی که نیست. اصلاً در میان تاروپود زمان که عظمت را نمی توان، آن طور که هست بطور شایسته درک کرد.

عظمت را در فوق زمان باید جستجو کرد، سبحان ربی العظیم و بحمد از قلمرو، دقیقه و ساعت و سپس روز و هفته و بعد هم ماه و سال و اساساً قرن و قرون و اعصار، حرکت های مختلف زمین، ماه، خورشید، خورشیدها و ماههای متعدد، دیگر منظومه ها و همه کرات و کهکشانها و ابعادی که ایجاد می کنند خارج است، آری فوق همه اینها، فوق زمان.

راست ایستاده ایم می گوئیم،
سمع الله لمن حمده (خدا که بر همه چیز احاطه دارد شنید حمد کسی را که او را حمد کرد).

(اگر حمد من نمازگزار، حمدی از او باشد، شنید) باز متذکر می شویم که خدا بزرگتر از آن است که اینگونه حمد شود و از عظمت او این چنین دستوراتی بذهن ما بیاید.

بهرحال سرشار از عظمت، به تناسب درک این دستور انسانی، مبداء آفرینش را به یاد می آوریم و نقشه های یادآور عظمت آنرا، او را سزاوار تکریم بیشتری

می بینیم و خود را سزاوار نیازمندی خود را بیشتر درک کنیم به وجود بی نیاز و مطلق نزدیک تر می شویم، میرویم تا پیشانی را روی خاک زمین بگذاریم و یکسره دلباخته عظمت می شویم و در آن حال فرود آمدن ((اوج معنوی)) پیدا می کنیم و از مرحله عظمت به مرحله ((علو)) و درک بالائی و والائی می رسیم یعنی در حالت سجده قرار می گیریم و می گوئیم:

سبحان ربی الاعلی و بحمدہ (پاک و منزہ است پروردگار من خدای بالا و والاتر و من نمازگزار الان بحمد او پرداخته ام).

اگر حالی باشد مکرر آنرا می گوئیم تا بیان حال خودمان باشد. اینجاست که حال اتصال با مبداء پیدا می کنیم.

که فوق زمان و مکان است، که آفریدگار آنها و همه ی امور جهان است. و باز با آرامش میگوئیم: ((سبحان الله سبحان الله سبحان الله))

سر از سجده اول بر می داریم برای اینکه غرق در ذہنیات خود نشده باشیم.

((الله اکبر)) می گوئیم. بیانگر اینکه او از همه ی تصورات ماهر چند تصور والائی و بالائی، باز او از اینها بالاتر و پاکتر است.

از تصورات ذهنی خود باز توبه کنیم و ((استغفر الله ربی و اتوب الیہ)) بگوئیم. و

باز بار دیگر برای بیان اینکه در آن حالت (که حالت خود نایینی و مظهر خود

کوچک شمردن نهایی در برابر جلال و عزت آفریدگار است) با مبداء بزرگیها و بالاییها که از خود ما به ما نزدیکتر است و با ما بسی مهربان، در راز و نیازیم. برآستی که حالتی بس شیرین و انسانی است. بار دیگر با تکرار ((الله اکبر))، به سجده می رویم و با معرفتی عمیقتر و اوج گرفته تر دوباره می گوئیم:

((سبحان ربی الاعلی و بحمده))

سبحان الله سبحان الله سبحان الله

خدا می داند که هر نمازگزار، تا اینجای نماز که انجام داده است، به کجا رسیده است.

و خود نمازگزار نیز، کمی میندیشد

(اگر در حین ادای نماز باشد و نه در جاهای دیگر)

که ابتدای نماز کجا بود؟ چه می خواست، و تا اینجا چه کرده است و چه گفته

است؟ چه می خواهد، در چه مسیری است؟ بقیه نماز را چگونه می خواهد

بگذراند؟

بهرحال تا اینجا یک قسمت از نماز که آنرا ((یک رکعت)) می گویند، انجام شده

است.

سیری بود انسانی، ارادی، با جاذبه ی عشق و سپاس و اوج از ((خود طلبی ها)) و ((سرگرم، بازماندنها)). سیری بود که در آن نه جلب نفعی جسمی منظور است، نه دفع ناراحتی و نگرانی- از قبیل آنچه در کسب خوراک و لذات جسمی است- پس چه...؟ آری تنها و تنها ارضاء حال کمال یابی، انس گیری، دوست داری و دوست گیری، راز و نیاز، خود را بازیافتن، با ((خویشتن خود)) آشناتر شدن، خود و آرزوهای نهائی را صمیمانه و بی ریا بازگو کردن، نیرو گرفتن، توان یابی روحی، و از آنچه که بود و هست قدری بالاتر رفتن، یا بهتر شدن بزرگتر گشتن، ظرفیت بیشتری یافتن، آماده ((انسانی ساختن جهان، شدن)). همچون مسافری که مقداری از راه را آمده است، تصوراتی تازه یافته، اما باز هم احساس بازاندیشی بیشتری می کند. بنابراین بعد از رکعت اول، به بخش دوم می پردازیم.

رکعت دوم را آغاز می کنیم، به نشانه ی اینکه این مقدار حرکات کافی نبوده، تازه اول کار و راه است.

باز سوره حمد را می خوانیم. اینک که برای دومین بار حمد را می خوانیم، طبعاً دیگر در صدد نیستیم یک عدد حمد به یک عدد حمد که رکعت قبل خوانده بودیم اضافه کرده باشیم!

بلکه تا به آن، کیفیت تازه ای ببخشیم.

قنوت:

در رکعت دوم هر نماز، بعد از تمام شدن سوره، بسیار پسندیده و ((مستحب)) است که با توجه کامل به پروردگار مهربان به هر زبانی که خواهیم (با زبان دل و درون) با او به راز و نیاز بپردازیم و هر چه می خواهیم با او در میان بگذاریم.

(و این یکی از بهترین حالات نماز است).

به این توجه قلبی به خدا و اظهار حالت و چگونگی روحی و عرضه کردن نیازها به او ((قنوت)) گفته می شود:

قنوت: توجه مستقیم، اتصال و بیان خواست های قلبی، اظهار مطالب که تنها از خالق می توان آنها را خواست و تنها با اوست که می توان در میان گذاشت.

در اینجا، فرمول و جمله معینی برای گفتن تعیین نشده است زیرا در قنوت، گوئی هدف این است که نمازگزار با آنچه می گوید و با بیان آنچه می خواهد، موضع انسانی خود را از جهت فردی و اجتماعی معین کند. و ارزش خود را با آنچه می خواهد و به صورت دعا اظهار می دارد، مشخص نماید.

آرزوهای انسانی اوست که باید بیان شود، خوب راستی در چنین موقعیتی چه باید خواست و چه می خواهیم؟ خواست که امری ساختگی و ظاهربازی و ظاهرسازی نیست. خواست انسان، امری است واقعی و باید از باطن او ریشه بگیرد. در این موقعیت غالباً دعاهائی خوانده می شود.

معنی تشهد:

توجه داریم که ((تشهد)) در نماز بمنزله قطعنامه ای است، که نمازگزار در پایان هر قسمت از نماز آنرا اعلام میدارد. این قطعنامه شامل ۳ نکته است:

- ۱- اعلام توحید.
 - ۲- اعلام رسالت پیامبر اسلام و ترتب آن بر ((عبد خدا)) بودن.
 - ۳- سپاس به مقام رسالت و ولایت و اعلام وفاداری خود.
- (من نمازگزار) گواهی میدهم و بدل و جان پذیرای این مطلب شده ام که هیچکس و هیچ چیز سزاوار پرستش نیست جز ((الله)) که خدای یگانه و آفریدگار همه است. او یگانه است، و در آفرینش و اراده- آفریدگان همکار و شریکی برای او نیست.

و نیز گواهی میدهم (و به یقین دانسته ام) که: ((محمد بنده او و فرستاده او (برای بیدارسازی) به سوی مردم است))

خدایا بر محمد و آل او درود بفرست.

این گفته ها را تشهّد می گویند.

یعنی پذیرا شده ایم که گواه آن باشیم که معبودی شایسته عبودیت و محبوبی ((

شایسته ی دوست داری)) جز خدا نیست.

او در معبود بودن و شایسته محبت بودن شریکی ندارد.

و نیز شهادت جدی می دهیم که محمد (ص) بنده اوست بنده ای برانگیخته و

فرستاده برای انسانها.

برای نجاتشان از اوهام فردی و اجتماعی.

او حق بزرگی بر بشریت دارد و بنابراین، درود فراوان بر او می فرستیم، از خدا

برای او و شایستگان از جانشینان او که امامان معصومند، رحمت بیشتری را

خواستار می شویم.

زیرا چیزهای دیگر، که شایسته آن روح بزرگ باشد، نمی شناسیم و خود نیز

چیزی در اختیار نداریم که شایسته آنان باشد. آری می گوئیم اللهم... یعنی

خدایا، خدایی که خواستار نجات و بزرگ بود ما هستی، خودت جبران آن همه

بزرگواریها و زحمات ارشادی حبیبیت، پیامبر را بنما.

شهادت به چیزی، وقتی می تواند واقعی و درست باشد که از یک آگاهی و اطمینان ناشی شده باشد و حکایت از یقین و اعتماد بنماید.

نمازگزار بعد از ادای ۲ رکعت از نماز و گفتن چندین بار ((الله اکبر)) بالاخره به عنوان صدور قطعنامه مجموعه کارهایی که کرده است، ۳ نکته را در نشست آخرین نماز با خودش زمزمه می کنند:

۱- می گوید شهادت به توحید ربّ، اله، آفریدگار جهان میدهم. کسی را شریک او در قدرت و لایق نیایش خضوع در برابرش نمی دانم و نمی شناسم و چنین کارهایی را تصویب نمی کنم و از شان انسان و مسلمان دور می دانم.

۲- و نیز شهادت میدهم که محمّد با تمام بزرگیهایش، بنده ای از بندگان خدا است. البته بنده ای شایسته است و بهمین دلیل هم می تواند رهبر انسانها باشد به سوی آزادی و آزادگی.

او فرستاده خدا است. خدایش بسوی خلق فرستاده است تا آنانرا نیز از راه آموزش و تربیت بندگی خدا و بس، از تمام مزایای آزادی بهره مند سازد.

۳- به عنوان سپاس از رهبریهایی بی دریغ و احیاگر چنین رهبری از خدا طلب رحمت برای او می کنیم و برای کسانی که دنباله گیر راهنمائیهای او باشند،

تا مبدا بار دیگر مردم به منجلاب خویشتن گرائی و یا طاغوت گری بیفتد و سقوط کنند.

نمازگزار با الهام از گفته خدا که در قرآن آمده است:

(قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی)

در تشهد نماز جمله ((الحمد لله)) را قبل از شهادت دادن به وحدانیت پروردگارش به زبان می آورد. و با توجه به معنای شهادت و اینکه گواهی در مواردی صحیح و قبول است که مورد یقین و مشهود و مقبول انسان باشد. نمازگزار در خود می اندیشد، کارهای خود را از جمله همین نماز و بیانی را که در آن است ارزیابی می کند، تا ضمناً برای او مشخص شود که گواهی او به توحید و شهادتش به رسالت پیامبر اسلام تا چه اندازه در متن زندگی او پیاده شده و مصداق پیدا کرده است؟

آیا اندیشه او توحیدی هست؟ و آیا رفتار و اخلاق اجتماعی او با این بیان و اقرار او میگوید ((شاهد و گواهی به توحید اسلام)) منطبق است؟ و بر اساس گفتار معصوم که فرموده است: ناجی (اهل نجات) کسی است که قول و فعل او با هم موافق باشند- و یکدیگر را تصدیق کنند.

ببینند آیا او نیز چنین است؟ و نیز برای خود او روشن شود که:

شهادت او به توحید پروردگار و رسالت پیامبر گرامی اسلام، تا چه حد از روی عادت است. و تا کجا از روی آگاهی و ادراک و یقین؟

نباید تصور کرد که مسلمانی تنها با گفتن این گونه کلمات تمام می شود، بلکه در اعماق و رفتار است که دینداری و درجه آن مشخص می گردد، و در تعهد پذیری و حسن رفتار اجتماعی است که میزان صدق دینداری افراد محرز و ثابت می گردد.

آری نمازگزار واقعی سعی می کند با ادای این کلمات در گذشته خود هر چند درخشان باشد تجدید نظر کند.

به نقطه های ضعفی که دارد توجه نماید و در زمینه رفع نواقص و اصلاح نقائص، تصمیم لازم و مقتضی را بگیرد.

و در مورد آینده نیز بطور جدی تجدید تعهد میکند که:

که عضو ارزنده تر و موثری برای جامعه اسلامی باشد.

و بر اساس این گفتار پیامبر گرامی اسلام که در مقام بیان شرط اول و اساسی

اسلام و اولین تعهد برای عضویت جامعه اسلامی، مکرر و با عبارت جالب و

تعبیرات گوناگون تاکید فرموده اند که:

— من اصبح ولايهتم بامور المسلمين فليس بمسلم.

- من اصبح و لم يهتم بامر المسلمين فليس من المسلمين.

- من اصبح ولا يهتم بامر من امور المسلمين فليس من المسلمين.

یک نمازگزار واقعی خود را متعهد و مسئول می شناسد که:

اولاً درباره امر مسلمین با شرائط زمانی و مکانی خاصی که دارد بیندیشد و آنرا بشناسد.

و ثانیاً برنامه زندگی خود را طوری قرار دهد که سهمی در اجرای آنچه در طریق مصالح مسلمین قرار دارد داشته باشد.

تا اینجا ۲ رکعت از نماز تمام شده است.

اگر در غرض نماز گزار ادای یک نماز دو رکعتی باشد- مانند نماز صبح تا اینجا کار او تمام است و به عنوان خاتمه بخشی به کارش، ۳ سلام می کند.

معنای سلامهای نماز:

۱- سلام بر نوای پیامبر (گرامی اسلام) و خبر دهنده الهی و مطمئن (از آنچه

باید از آنها باخبر بود) و نیز رحمت خدا و برکات او بر تو

۲- سلام بر ما (نمازگزاران) و بر بندگان صالح و شایسته خدا

۳- سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او (نیز) بر همگی شما (اهل توحید و برادری از پیامبر و امت) باد.

۱- سلام بر پیامبر به صورت خطاب به او: که گویی او را می بیند و از او تشکر می کند که با بنیانگزاری برنامه نماز و سایر برنامه های سازنده ای دین، او را به حریت انسانی رسانده و از عبودیت غیر نجات داده است.
می گوید: السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته.

(چنانچه گوئی از زبان خدا نیز این سلام به رهبر انسانیت حکایت می شود)

۲- سلام بر جامعه نمازگزاران و اهل توحید

و بر تمامی بندگان صالح و شایسته خدا و هر کس که در حد خود به امری از امور شایسته می پردازد و می داند که در شرایط زمانی و مکانی و محیط اجتماعی و محدوده ی شغلی خاصی که دارد، وظیفه انسانی و اسلامی او چیست و چه باید بکند. کسی که صلاح و فساد و اعمال صالح و فساد را تشخیص می دهد.

و از امکاناتش به شایستگی استفاده می نماید، تا کسانی موثر و کارسان، برای جامعه ای اسلامی و انسانی باشد:

السلام علینا و علی عباد الله الصالحین

(که گوئی از زبان پیامبر گرامی و نیز هر نمازگزاری و از جمله خود شخص گوینده این سلام، عمومیت داده می شود.)

۳- سلام بر همه افراد جامعه و طلب رحمت و برکات خدا برای همه آنان.
السلام علیکم و رحمه الله و برکاته
که گویا در این سلام، پس از دو سلام قبلی که درود بر پیامبر اسلام و بر اعضای جامعه اسلامی بوده است، از زبان خدا بازگو می شود که:
بر شما که چنین پرورش یافته و مکتبتان مکتب سلام به رهبران الهی و شایسته است و با آگاهی عمیق، قدردان و وفادار آنان بوده و تسلیم رهبریهای الهی آنان هستید.

و نیز بر شما که سپاسگر صلاح و صالحان می باشید و خود را آماده صلاح و اصلاح ساخته اید، سلام بر همه شما و رحمت و برکات خدا بر چنین مردم باد.
براستی کلماتی نیروبخش و صلاح آفرین است و اعلام اتحاد جامعه ای صالح، متشکل از اعضای صلاح گرا که چه بسا به قیافه و شکل، یکدیگر را نمی شناسند، ولی با کششهای اسلامی و هدفهای خداپسندانه انسانی با یکدیگر دائماً در ارتباطند...

البته اگر مقصود، ادای نماز ۳ رکعتی یا ۴ رکعتی باشد، بعد از تشهد و قبل از سلام های سه گانه آخر نماز، یک یا دو رکعت دیگر نیز می خواند.

رکعت سوم نماز: (در نماز مغرب که اول شب ادا میشود)، به این ترتیب انجام می گردد.

در نماز مغرب که ۳ رکعتی است، بعد از تشهد رکعت دوم، بار دیگر می ایستد (مستحب است بگوید. بحول الله و قوته اقوم و اقعده)

وقتی ایستاد، یکی از ۲ نوع برنامه را اجرا می کند:

یا یکبار دیگر سوره حمد را بدون اینکه سوره دیگری به آن اضافه کند، با معرفتی بیشتر و توجهی عمیقتر می خواند.

و رکوع و سجود را همانند رکعات قبل به انجام می رساند و با تشهد دیگری مهیای سلام های ۳ گانه می شود.

و یا بجای خواندن سوره حمد (سوره جامع و نیروبخش که هر کس به تناسب درکش از آن بهره می برد)، ۴ جمله را که نمایانگر اوج اندیشه یک موحد است، پشت سرهم با توجه به سیر دهندگی آنها می گوید:

معنی تسبیحات اربعه:

خدای بزرگ پاک و منزه است، و او را ستایش میکنم و جز ((الله)) خدائی نیست.

و خدا بزرگتر از آنست که بوصف درآید.

سبحان الله: پاک و منزه میدانم خدارا.

الحمد لله: تمام ستایشها مخصوص خداست که منشاء همه کرامتها و نعمتها

اوست.

لا اله الا الله: محبوب و معبود واقعی کسی جز او نیست.

الله اکبر: و در نهایت، خدا بزرگتر از آنست که به وصف ما درآید.

از هر چه تصور کنیم بالاتر و والاتر و بزرگوarter است. گفتاری که مسوق به

آمادگی ذهنی است.

و مقدمه تغییرات عینی در برنامه زندگی و ساختن یک جامعه توحیدی که اولین

عضو نمونه آن همین شخص نمازگزار است که در رکعت سوم و چهارم

نمازهایش با تسبیحات اربعه مترنم است و می گوید:

سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر

۱- سبحان الله: (تسبیح و پاکداشت خدا)

تا انسان غوطه ور در میان اقیانوسها نشود، درک عظمت آن، و نیروهای نهاده

شده در آن را نمی نماید، و به نمونه ای از قوای قاهره حاکم بر خودش آگاهی

نمی یابد. و تا در صحنه وسیع و گسترده بی انتهای فضا، هم آغوش امواج رها شده از جاذبه های منطقه ای نگردد معنای آزادی و آزادی از جاذبه های منطقه ای و محیطی را در نمی یابد، و بخوبی بی وزنی خود و ماهیت و وسعت فضا را لمس نمی کند.

کوچکی خود و بزرگی بینهایت آفرینش و آفریننده را انسان، بیش از هر موجود دیگر زمینی میتواند دریابد. برای بیان دریافتی این چنین، کلمه ای پاکتر و گویاتر از تسبیح و پاکداشت نیست.

سبحان الله

تسبیح، پاکداشتی قلبی و اعتقادی و عملی است و نه اینکه چند دانه گرد سوراخ شده بهم متصل گردیده باشد! برای گرداندن و سرگرم شدن، و یا عادت به زکر عادت شده!! را ارضاء ساختن و یا شماره ((اوراد)) و کلماتی را یاد داشتن که کم و زیاد نگردد. و یا بالاخره گرانی و ارزانی آن دانه های بهم متصل را نشانه ای از شخصیت گرداننده و دارنده آن دانستن. که اینها همه نمایشگر گرفتاریهای ذهنی و بیانگر قیود عینی زندگی و کمبودهای روحی... است. آری همه موجودات به گونه ای تسبیح گوی حق اند، همین مرغ حق که از اول شب تا دم صبح واله و شیدا به صدای ((حق،حق)) (بحساب امواج آشنا با گوش ما) مترنم است،

راستی چه میخواهد؟ و آن خروس سحرخیز وقت شناس که در پایان تاریکی های شب و نیمه های روز از دورن لانه اش فریاد برمیکشد و گذشتی از زمان را و رسیدن زمانی تازه تر را اعلام میدارد، و بالاخره همه کوچک ترها و بزرگترها از آنها هم که:

یسبح لله ما فی السموات و الارض: آنچه در آسمانها و زمین اند همه به نوعی بیانگر پاکی و عظمت غیرقابل تصور خدایند.

و ان من شیئی الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم.

در عالم وجود چیزی نیست مگر آنکه با وجود خود بیانگر پاکی و بزرگی حق است، اما شما قدرت احساس و ادراکتان محدود است و آنها را بطور کامل در نمی یابید.

آری تنها الله است که سزاوار این بزرگداشت است زیرا تنها اوست که در حد تعریف و بیان و تصور در نمی آید. زیرا بمحض قرار گرفتن در چهارچوب بیان، خود بخود بهمان حد، محدود میشود و روشن است که نامحدود را نمی توان با الفاظ محدود شناساند و با حواس معدود تصور کرد. جز آنکه فقط درک عجز احساس و تصور درباره اش شود. (اگر بتوانیم چنین درکی را بیابیم) بعنوان بیان این مرحله از ادراک که درک عدم ادراک کامل و شامل آفریننده است و

احاطه و آگاهی به بزرگیهای بی انتهایش، بزرگیهایی که همه نواحی حیات را از همه جانب گرفته، تنها چیزی که میتوانیم در این زمینه بگوئیم، سبحان الله است.

سبحان الله

و عجب گفتاری کوتاه که شامل دقیق ترین معانی است نمازگزار- که در رکوع های قبلی با این تعبیر آشنا شده بود و میگفت ((سبحان ربی العظیم)) و از تصور زمان با همه تعبیرات دقیقی که از آن شده است، ستوده بود و در سجده ها نیز آفریدگار را به عنوان اینکه فوق مکان و مکانیات است. توصیف کرده بود. در اینجا به حال قیام- قیام جدید- درآمده است.

با بردی بسی وسیعتر از گذشته، گوئی در سکوی پرتاب جدیدی قرار گرفته است تا روح خود را به ماوراء محیطهای جاذبه پرواز دهد و لذا با تجدید مفهوم سبحان الله و درک مفهومی جدیدتر و پر ارج تر از آن با خود میگوید: بسی پاک و منزّه میدانم خدا را، پاکداستی که برای آن نظیری نمی شناسم.

(اسبیح سبحان الله، که سبحان مفعول مطلق برای فعل ناگفته اسبیح است)

تسبیح میگویم خدا را تسبیح گفتنی

که نوع مشابه و نظیری ندارد، تا بتوانیم بگویم از آن نوع بزرگداشت و پاکداشت...

والحمد لله

بهمان ترتیب که در مفهوم حمد یادآوری شد که سراسر نیکیها، - نیکی های

ارادی و بدون توقع و منت و دائمی و همه قسمت های سازنده و همه بخشایش

ها از طرف الله است.

ناگهان آماده انس با محبوب نهائی اش می گردد و در می یابد که لا اله الا الله

جز الله، محبوب و معبودی ندارد.

و جز راه و راهنمائی او، راهی و راهنمائی برای تعیین خط مشی زندگی انسان

که موجودی لایق اینهمه برتریهاست نیست.

مقررات غیر توحیدی بشری در نظر او بی ارزش و کم اعتبار خواهد آمد.

و بخصوص جاذبه های ساختگی منطقه ای یعنی قوانین بی ارزش و محدودساز

انسانها و داوریهای محدود مصلحتی-عرفیات و ذهنیات و حتی آراء صادره از

مصادر بالا در هر شهر و دوره که از قیود زندگی انسانها شده اند و همه در راه

معبودهای ساختگی، در خدمت در آمده اند. و لا اله الا الله جز الله که توجه به او

بالا برنده است.

همه معبودها تنزل دهنده انسان ها هستند.

و بالاخره آخرین مرحله سیر نمازگزار در تسبیحات اربعه منتهی میشود به ((الله اکبر)) خدا فوق همه- فوق همه مقررات- فوق همه جاذبه ها- بالاتر از آنکه وصف شود- و از همه والاتر و ارزنده تر برای اینکه مورد توجه آدمی قرار گیرد.

اینها گوشه ای از حرکتی ضمن ۴ تسبیح بود که بهمین جهت تسبیحات چهارگانه نام گرفته است.

اینجا نمازگزار با روحی سرشار از صفاء و ارتباط با بی نهایت و آزاد شده از قیود دست و پا گیر زندگی، به رکوع میرود، این رکوع حتی از نوع رکوعهای رکعت های قبلی هم نیست، رکوعی است اوج گرفته که دیگر میزان توجه با آن بیانگر شعور دینی و نشان دهنده درجه محبت نمازگزار با مبداء آفرینش است که باز می گوید:

سبحان ربی العظیم و بحمده (مالک مدبر خود را که عظیم است تسبیح می گویم، و پاک می شمارم، و این لحظه به حمد او مشغولم، که سعی می کنم همه لحظاتم طوری بگذرد که تسبیح و حمد او باشد. و بعد از آن بهمان منوال رکعتهای سابق، باز می ایستد، ((سمع الله لمن حمده)) می گوید و به سجده می رود تا در درجه خلوص و توجه خود را بالاتر ببرد و به کمال شایسته برساند.

به خاک می افتد، اما فقط در برابر عظمت واقعی حق و نه عظمت های تراشیده بشری!

و دوباره به فاصله یک نشست و گفتن یک استغفار که بیانگر عدم کفایت ذکر تسبیح در سجده اول است.

می گوید: سبحان ربی الاعلی و بحمده

که بعد از دو سجده در نمازهای چهاررکعتی یکبار دیگر این مسیر آسمانی و درونی را دنبال می کنند تا به گوهرهای گرانبهاتر، در افقهای بالای انسانی و در آسمانهای عظمت دست یابد.

و به جهان خاکی با روحی آسمانی باز گردد و زندگی موثر و ثمربخش و معنادارتری را آغاز کند.

و اگر در نماز سه رکعتی یعنی نماز مغرب است، بار دیگر تشهد و سلام می

گوید و خود را سبکبار و با دریافت ها و برداشتهای جدیدی از حیات انسانی

بیش از آنچه بود، مسئول و متعهد برای تحقق بخشی به شعائر اصیل اسلامی لا

اله الا الله و الله اکبر و سلامتخواهی و همگامی با عباد الله الصالحین وارد عرصه

زندگی می شود.

اینجاست که به مرحله بعدی از این رهایی و آزادگی می رسد و به مفهومی جدید از حمد خدا دست می یابد.

و با این درک جدید می گوید والحمدلله، آری حمدی بالاتر و والاتر از آنچه در ابتدای نماز با خواندن سوره حمد در ۲ رکعت اول نماز می گفت و نیز حمدی پر موج تر از آن الحمدلله اتسحابی که اول تشهد رکعت دوم داشت. بلکه حمدی مترتب بر تسبیح- سبحان الله و الحمدلله- تسبیحی آنچنان واسسته ساز که انسان را از جاذبه های عادی و مادی پرواز می دهد و به اقصای بالا و بالاتر و بالاترین می رساند، با توجهی که نمازگزار یافته است و اوجی که گرفته است، در مسیر آگاهی درونی خود به جاهایی رسیده است که ارزشها و تعنیات عادی زندگی در نظرش بی مقدارند که، همه آنها را سرگرم کننده می شناسد.

واجبات نماز:

نماز بدین صورت که گفته شد، شامل ک عده کارهای واجب و مستحب بود.

واجبات نماز ۸ چیز است:

۱- نیت که باید فقط و فقط برای خدا باشد نه به قصد ریا و خودنمایی و مانند آن

۲- تکبیره الاحرام که نمازگزار بعد از گفتن آن از اموری که شایسته و متناسب حال نماز نیست صرف نظر می کند، و در حقیقت با این کلمه نماز را شروع می نماید و تصمیم می گیرد به کارهای متفرقه نپردازد.

۳- قیام که در صورت امکان، در موقع تکبیر و همچنین پیش از رکوع باید ایستاد.

۴- رکوع که در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره یا تسبیحات اربعه خم می شوند و در آن حال با توجه کامل خدا را به عظمت یاد می کند.

۵- سجود: رکوع که تمام شد باید ایستاد و سپس با کمال تواضع به سجده رفت و پیشانی را رو زمین گذاشته و بعد از یاد خدا (به صفت بزرگی بی حد و انتها) سر از سجده اول برداشته بار دیگر به همین ترتیب سجده دیگر بجا آورد.

این پنج کار از اعمال حتمیه نماز است که اگر عمدا یا سهوا کم یا زیاد و یا اصولا فراموش شوند موجب باطل شدن نماز خواهد بود و آنها را رکن می گویند.

۶- خواندن سوره حمد و یک سوره دیگر از قرآن در رکعت اول و دوم و خواندن تسبیحات اربعه، یعنی:

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و الله اکبر

یا خواندن سوره حمد به تنهایی در رکعت سوم و چهارم
۷- تشهد که بعد از رکعت دوم و نیز بعد از رکعت آخر هر نماز باید نشست و به
یگانگی خدا و بندگی و رسالت پیغمبر اکرم (ص) شهادت داد و بر آن جناب و آل
او که پیشوایان دین هستند درود فرستاد. (بدین ترتیب اللهم صل علی محمد و
آل محمد).

۸- سلام که آخرین قسمت از نماز است و با گفتن آن صورت عمل به پایان می
رسد و حداقل آن:

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته می باشد ولی حتی المقدور نباید
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین را قبل از آن ترک کرد. و بهتر است که
قبل از آن دو جمله: السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته را نیز بگوییم.

مستحبات نماز

نماز همانطور که شامل یک عده افعال و گفتار واجب است که اگر عمدا ترک
شوند نماز باطل می شود، بعضی از اعمال مستحب نیز دارد که راجع به آنها
بسیار توصیه و تاکید شده است و تاثیر زیادی در توجه قلبی انسان به آفریننده
جهان دارد از جمله:

۱- قنوت، بدین ترتیب که در رکعت اول قبل از رکوع، دو دست را مقابل صورت می گیریم و آنچه را متناسب با معرفت ما نسبت به خداست بیان می کنیم بهتر است آیاتی از قرآن یا دعاهایی که خواسته قلبی ما را حکایت می کند و آنچه توسط ائمه معصومی بیان شده است خوانده شود و بسیاری از فقهاء جایز دانسته اند که هر کس با هر زبانی که دارد مطلب خود را بیان کند.

۲- تکبیرات افتتاحیه- ابتدای نماز علاوه بر تکبیره الاحرام مستحب است ۶ بار الله اکبر دیگر نیز گفته شد، که هفتمین آنها تکبیره الاحرام است. ۱ به طور کلی ۷ دفعه الله اکبر بگوید که یکی از آنها را تکبیره الاحرام قرار دهد.

۳- بعد از انجام هر عملی هنگام شروع به عمل دگر الله اکبر گفت، بسیار شایسته است که در ضمن آن، شخص نمازگزار عمل خود را در مقابل بزرگی و احاطه خدا، کوچک شمرده خدا را بزرگتر از آنچه به ذهن آید و بتوان مورد وصف قرار دارد بستاید. و به خاطر بیاورد که آن گونه عبادت او در مقابل عظمت آفریننده جهان، بسیار ناچیز است و باید بیشتر از آن خود را به او نزدیک کند و هر لحظه متوجه تر از لحظه قبل باشد.

۴- در هر تکبیر و بخصوص در موقع تکبیره الاحرام دستها را تا مقابل گوش بالا آوردن به طوری که کف دستها رو به قبله باشد و بهتر است با شروع الله اکبر دستها را بلند کرده و با تمام شدن آن، دستها را پایین آورده باشند.

۵- مستحب است کف دستها را هنگام رکوع روی زانوها (زانان کمی بالاتر از زانو) و هنگام تشهد روی ران و در موقع سجده در طرفین گوشها روی زمین بگذارند.

۶- نگاه کردن در حال ایستادن به محل سجده و در قنوت به کف دستها و در رکوع، بین پاها و وق نشستن به دامن خود بهتر است.

۷- و نیز مستحب است موقعی که ایستاده ایم و می خواهیم به سجده برویم بگوییم: سمع الله لمن حمده و پس از آن الحمد لله رب العالمین و نیز موقعی که دو سجده را انجام داده می خواهیم برای رکعت دیگر بایستیم بحول الله و قوته اقوم و اقعده یعنی به سبب توانایی که خدا منشاء آن است و به ما آن توانایی را داده است می ایستیم و در بین دو سجده بگوییم: استغفرالله ربی و اتوب الیه.

۸- پس از سلام نماز قدری نشستن و فکر کردن و به هر زبانی که انسان بخواهد با خالق خود راز و نیاز کردن که آن را تعقیب می گویند. و بهتر است آنچه را که پیغمبر اکرم به حضرت زهرا تعلیم فرموده اند بگوییم.

(الله اکبر ۳۴ مرتبه، الحمد لله و سبحان الله هر یک ۳۳ مرتبه) و یا خواندن آیه الکرسی به خصوص پیش از نماز صبح و مغرب و گفتن هفت بار: بسم الله و بالله و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

و امثال آنها، و قبل از همه اینها بعد از تمام شدن نماز مستحب است سه مرتبه دستها را مقابل گوش بلند کرده و الله اکبر بگویند، کنایه از اینکه خدا بسی بزرگتر از آن است که بتوان به طور شایستگی بندگی او را به جا آورد.

واجبات نماز:

۱- نیت ۲- تکبیره الاحرام ۳- قیام ۴- رکوع ۵- دو سجده ۶- قرائت ۷- تشهد

۸- سلام

و ضمناً ترتیب و موالات و طمانینه را باید رعایت کرد.

ارکان نماز:

۱- نیت

۲- تکبیره الاحرام

۳- قیام (در حال تکبیر و متصل برکوع)

۴- رکوع

۵- دو سجده

مستحبات عمده نماز:

۱- تکبیرات افتتاحیه

۲- گفتن الله اکبر قبل و بعد از هر عمل

۳- دستها را در موقع تکبیر بلند کردن

۴- قنوت

۵- گفتن ذکر خدا بخصوص **سمع الله - بحول الله - استغفر الله**

۶- کمی بعد از سجده دوم نشستن و سپس ایستادن

۷- تعقیب

۸- توجه به معانی نماز و بهتر ادا کردن آن

شرایط قبول نماز

اینها که گفته شده شرط صحی بودن نماز است که با رعایت آنها صورت ظاهر

نماز، درست خواهد شد. ولی باید دانست که برای قبول شدن نماز و تاثیر آن در

روحیه نمازگزار نیز شرایطی است که باید به آنها توجه کامل داشت و از جمله آنها این است که:

۱- نیت خود را که برای خدا نماز را شروع کرده بود همیشه در یاد داشته از نماز غافل نگردد و خود را از اندیشه هایی که ناشی از حسد، کینه، بدخواهی دیگران است خالی نگه دارد. افکار آلوده را از خود دور کند.

و با خود قرار بگذارد دروغ نگوید و سخن چینی نکند زرا در نماز می گوید اهدنا الصراط المستقیم و از خدا می خواهد که به راه راست هدایت شود. بنابراین بایستی جدا تصمیم بگیرد نواقص و نقائص خود را در عمل و اخلاق برطرف سازد.

۲- از طرف نمازگزار نباید نسبت به انسانهای دیگر تجاوزی به عمل آید.

مالی که بدست می آورد و از آن زندگی خود را اداره می کند نباید از راه نامشروع و باطل که مستلزم تقلب، خیانت، غصب، ظلم و کمک به ظالم و مانند آن است فراهم شده باشد.

۴- توجه به معانی:

نمازگزار حتی المقدور باید به معانی کارهایی که در ضمن نماز انجام می دهد از قیام و قعود و رکوع و سجود و همچنین مطالبی که به زبان می گوید توجه داشته باشد و سعی کند نماز برای او یک سفر روحانی به سوی کمال و انس با مبدأ وجود و خالق مهربان باشد نه یک عمل تشریفاتی و اجباری و عادی و بداند چه می کند چنانکه خدا فرموده:

حتی تعلموا ماتقولون

بنابراین باید کاری کنیم که در هر رکعت متوجه تر از رکعت قبل، بلکه در هر جمله قدری بیشتر از جمله قبل به یاد خدا باشیم، بخصوص کاری کنیم که در جمله:

ایاک نعبد و ایاک نستعین

که خدا را مورد خطاب قرار داده ایم و گویا با او سخن می گوئیم دل را از غیر او خالی و فارغ کنیم و در حدیث است که از نماز انسان همان قدرش قبول است که با توجه قلبی انجام می دهد.

۶- به طور کلی علاوه بر آنچه یادآوری شد نمازگزار باید رعایت تقوی را بنماید و از آنچه گناه است و خود او هم یقین می داند که آن کارها خلاف پرهیزگاری است بایستی پرهیز و اجتناب نماید چنانکه در قرآن است:

انما يتقبل الله من المتقين

خدا فقط از پرهیزکاران قبول می کند.

باید دانست که انسان هر اندازه در نماز به خدا توجه داشته باشد، حتی اگر در تمام مدت نماز فقط یک لحظه و ضمن ادای کلمه ای به یاد خدا افتد، نماز او همانقدر فضیلت و ارزش یافته است. و البته مراتب قبول نماز هم در اشخاص و به تناسب معرفت آنان متفاوت است و نباید مردم نمازگزار مایوس باشند که چون نماز آنها به درجه کمال نیست بنابراین، ناقص آن را نیز ترک کنند، یا فقط برای استسقاط تکلیف و رفع مسئولیت، نماز بخوانند. ولی ضمناً دسته دیگری هم از نمازگزاران که معمولاً از راه های نامشروع زندگی خود را تامین کرده فقط لباس خاصی برای موقع نماز خود تهی کرده اند که نماز آنها در لباس صحیح باشد!! باید بدانند دستورات خدا فقط جنبه تشریفات ندارد بلکه در هر یک از آنها اسرار و رموزی است که باید آنها را تا اندازه ای درک کرد، و از آن دستورات بهره کامل گرفت و از نتایج فردی و اجتماعی دستورات نباید غفلت کرد. و بالاخره هر کس در هر حال که هست (هر طور و در هر شرایطی که باشد) باید نماز بخواند.

ولی در این اندیشه نیز باید باشد که کم کم نواقص نماز و عیب کارهای خود را برطرف کرده تا جایی که برایش مقدور است پیش برود و نباید از نظر دور داشته باشیم که خدا به کارها و نیت های ما نظر می کند نه تنها به ظاهر گفتار (که فقط کار زبان است) و باید دانست باطن و درون ما میزان رد و یا قبول عمل است.

تعقیب نماز:

وقتی نمازگزار را تمام کرد و سه سلام نماز را گفت، به علامت اینکه آنطور که شایسته عظمت و بزرگی خداست نتوانسته است توجه قلبی به او پیدا کند سه مرتبه دستها را تا برابر گوشها بلند می کند و هر بار می گوید الله اکبر و آخرین مرحله او جش با گفتن سه الله اکبر استجابی بعد از نمازها و گفت کلماتی دیگر به عنوان تعقیب مشخص می گردند: که نشان آن است که هنوز تشنه انس است و نه خسته و فرسوده از این سیر آسمانی و مستعجل برای بازگشت به زندگی عادی.

منابع و مأخذ:

- ۱- نماز شناسی، نویسنده حسن راشدی، انتشارات مهر قم، سال ۱۳۸۰
- ۲- کتاب نماز، نویسنده علی غفوری، انتشارات فجر، سال ۱۳۶۵
- ۳- جمعه و نماز یا جهاد هفتگی، تالیف آیت الله دستغیب، انتشارات کانون تربیت شیراز، سال ۱۳۶۳
- ۴- اصول و فروع دین، تالیف دکتر سید عبدالوهاب طالقانی، انتشارات دارالقرآن کریم، سال ۱۳۶۶